

۱۰ روایت معتبر
از سال‌ها خیانت حکومت پهلوی

ایران من حراج!

ایرانیان بخشوده! نه! ما هنوز آنها را دقیق نشناخته‌ایم. هنوز هم نقابی که برخی از رسانه‌ها به صورت این پدر و پسر زده اند، مانع شده تا نسل جدید آنها را بهتر بشناسد. تاریخ پهلوی را که ورق بزنید اسناد و مدارک بسیاری وجود دارد که گواه خیانت‌های این حکومت است؛ خیانت‌هایی که اغلب ناشی از وابستگی به دولت‌های غربی و سیاست‌های اشتباه دولتمردان بود.

اقتصاد کشور، حراج!

سال‌های واپسین دهه ۴۰، اوج افتخار و اقتدار شاه بود. اقتصاد کشور به شکوفایی رسیده و چرخ اقتصاد می‌چرخید. در اوایل دهه ۵۰ شاه به اوج قدرت رسید و دچار غرور و خودبزرگ‌بینی مفرط شد؛ گوش‌هایش به حرف هیچ دلسوزی بدهکار نبود. و عملاً تصمیم‌گیری‌های او بیشتر سیاسی بود تا اقتصادی. خسارت‌هایی جبران‌ناپذیر بر اقتصاد کشور وارد کرد و حتی به اعتقاد جامعه‌شناسان و تحلیلگران سیاسی برای خود شاه نیز سرنوشتی چون سقوط حکومتش را رقم زد. با سیری در برنامه‌های اقتصادی محمدرضا پهلوی می‌توان به این نتیجه رسید که واگذاری منابع نفتی به غرب، اصلاحات ارضی و نابودی بخش کشاورزی، وابستگی صنایع، غارت منابع و ثروت ملی ایران، واردات بی‌رویه و بدون برنامه، نابودی خریده‌های غیرنفتی، رشد مصرف‌گرایی و افزایش سرسام‌آور خریده‌های نظامی مهمترین اشتباهات اقتصادی محمدرضا شاه و ضربه مهلک او به کشور بود.

دین ملت، حراج!

یکی از مهمترین خیانت‌های شاه به مردم ایران، بی‌حرمتی به اعتقادات ملت، تلاش برای جایگزینی ارزش‌های غربی و به طور کلی ضربه به اسلام بود. تغییر تاریخ اسلامی به تاریخ شاهنشاهی، برگزاری جشن‌های سلطنتی پرهزینه و گزاف، نفوذ و اشتغال گسترده بهائیان و صهیونیست‌ها در پست‌های کلیدی و حساس دولتی به عنوان نمونه‌هایی از اقدامات شاه در این زمینه بود. او با ترویج روزافزون فساد و بزهکاری در میان مردم به ویژه جوانان به گسترش فساد و بی‌بند باری در کشور دامن زد. شرایط به گونه‌ای بود که به رغم اعتقادات مذهبی مردم، بیش از وجود مراکز فرهنگی، مراکز فساد و فحشا در کشور وجود داشت. ابتذال و از بین بردن شخصیت و کرامت اخلاقی و اجتماعی زنان و تخریب کانون خانواده از دیگر ترندهای شاه برای نابودی اسلام بود. زن در دوره حکومت شاه فقط یک وسیله عیاشی بود که این موضوع با باورهای اسلامی فاصله بسیاری داشت.

اموال کشور، حراج!

براساس گزارشی که به مناسبت قیام‌های موجود در کشورهای عربی علیه دیکتاتورها اعلام شد که محمدرضا پهلوی هنگام خروج از ایران، ۳۵ میلیارد دلار دارایی از کشور خارج کرده اما به نظر می‌رسد این رقم متعلق به خروج مستقیم دارایی به شکل ارز بوده و املاک و سهام خاندان پهلوی در خارج از کشور در آن محاسبه نشده‌است. همچنین اسناد و مدارک موجود در ایران نشان می‌دهد که بخشی از املاک محمدرضا پهلوی در ایران شامل ۲۲۰ هکتار زمین قبل از خروج از کشور خارج شده‌است. اموال، مستغلات و به صورت ارز از کشور خارج شده‌است. اموال، مستغلات و دارایی‌هایی که خاندان پهلوی از بیت‌المال ملت غارت کردند فهرستی بسیار طولانی دارد. طوری که براساس جمع‌بندی برخی گزارش‌ها درباره همه اموال تصاحب شده می‌توان رقمی در حدود ۱۰۰ میلیارد دلار را برآورد کرد.

جان مردم، حراج!

به رغم راهاندازی سپاه بهداشت که یکی از محورهای اصلی انقلاب سفید بود، حوزه سلامت در آن زمان دچار بحران‌های مختلف بود و اندک حمایت‌های صورت گرفته در این بخش نیز مربوط به مناطق شهری می‌شد و روستاها و شهرهای کوچک‌تر امکاناتی نداشتند. آمارهای موجود به روشنی گویای وضعیت نابسامان بهداشت و درمان در دوران پهلوی است. چه بسا که سال ۱۳۵۶ عقب‌ماندگی حوزه بهداشت و درمان کشور به جایی رسید که ایران در خاورمیانه بدترین نسبت پزشک-بیمار، بالاترین نرخ مرگ و میر نوزادان و اطفال و پایین‌ترین نسبت تخت بیمارستان به جمعیت را داشت. علاوه بر موضوعات مربوط به بهداشت و درمان، رژیم پهلوی در زمینه بحران امنیت غذایی نیز نتوانسته بود خواسته‌های مردم را تأمین کند؛ چنانچه طبق آمار، ۶۴ درصد شهرنشینان طی سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ دچار سوءتغذیه بودند و شرایط تغذیه ۲۵ درصد آنان بسیار بد بود.

پیشرفت کشور، حراج!

محمدرضا پهلوی که دلش می‌خواست همای کشورهای غربی حرکت کند، بدون توجه به زیرساخت‌ها و نیروی انسانی لازم، توسعه صنعتی را در دستور کار قرار داد اما متأسفانه توسعه شتابان و غیراصولی محمدرضا شاه نه تنها نمره‌ای به همراه نداشت بلکه وابستگی به کشورهای دیگر را بیشتر و بیشتر می‌توان از تأسیس اداره برق در تهران با کمک بلژیکی‌ها، واگذاری اکتشاف و استخراج برخی معادن به شرکت‌های هلندی، اختیارات آلمان‌ها در صنایع نساجی، ساخت خطوط راه‌آهن توسط آمریکایی‌ها، تشکیل اداره جنگل‌بانی توسط اتریشی‌ها و چکسلواکی نام برد. همچنین صنایع مونتاژی یکی از مهم‌ترین عواملی بود که چرخه وابستگی و عقب‌ماندگی را کامل کرد. با مراجعه به آمار و ارقام می‌توان بی‌برد که در زمینه صادرات کالاها صنعتی، ایران بسیار عقب‌مانده بود و در این زمینه فقط ۲۸ درصد صادرات داشت.

رفاه عمومی، حراج!

شرایط عمرانی و آبادانی کشور در دوران محمدرضا شاه هم وضع خوبی نداشت تأمین برق روستاها طی سال‌های قبل از ۱۳۵۶ مبنای مشخصی نداشت و تعداد کل روستاهای برخوردار از برق تا پایان سال ۱۳۵۷ به ۴۳۲۷ روستا می‌رسید. در حوزه آب شرب و فاضلاب نیز اوضاع خوبی وجود نداشت و در مجموع کمتر از ۷۵ درصد مردم از این امکان برخوردار بودند. در زمینه راه و راه‌سازی نیز توجه خاصی در آن دوران به راه‌های ارتباطی به خصوص در روستاها نشد. طوری که در اواخر عمر رژیم پهلوی فقط ۹ هزار و ۷۸۵ کیلومتر راه روستایی وجود داشت که در صد ناچیزی از آن آسفالت بود. در حمل‌ونقل ریلی نیز شرایط مساعدی وجود نداشت و شبکه ریلی کشور که از استاندارد نسبتاً پایینی برخوردار بود به ۴ هزار و ۵۶۸ کیلومتر می‌رسید.

نقشه ایران، حراج!

بحرین منطقه‌ای استراتژیک و حائز اهمیت به شمار می‌رفت که جدایی آن از ایران یکی از اتفاقات غم‌انگیزی بود که در زمان حکومت پهلوی رخ داد. تداوم سیاست‌های استعماری بریتانیا در دوران پهلوی دوم از یک سو و از سوی دیگر بی‌کفایتی رژیم حاکم بر ایران که نتوانست در مقابل استعمار و سیاست پیر انگلستان بایستد منجر به استقلال بحرین در مرداد سال ۱۳۵۰ و جدایی همیشگی پایگاه نظامی اش را در خلیج فارس دایر کرد و به طور همه جانبه پشت عرب‌ها ایستاد تا از نفوذ ایران در منطقه جلوگیری کند. بعد از این اتفاق، شاه و اطرافیان‌شان نیز از این معامله اظهار ناراحتی و پشیمانی کردند و گفتند که به علت فشار انگلستان و توافقی فریبنده قسمتی از ایران را مانند شاهان بی‌کفایت گذشته از دست داده‌اند.

سواد مردم، حراج!

برخلاف کمک‌های همه‌جانبه کشورهای غربی به رژیم پهلوی مسائل آموزشی، وضعیت سواد و روند علمی کشور هیچ‌گاه خوب نبود و نمی‌توانست خواسته‌ها و نیازهای مردم را برآورده کند. براساس آماری که از سوی رژیم پهلوی منتشر شده‌است، تعداد پاسوادران کل کشور در سال ۱۳۴۵ از جمعیت ۲۵ میلیون نفری حدود ۵/۵ میلیون نفر و در مناطق روستایی در صد بسیار پایین بود. در حالی که سواد در رژیم پهلوی فقط شامل خواندن و نوشتن فارسی بوده و رژیم پهلوی حتی موفق نشده بود شرایطی را فراهم کند که بیش از ۵۰ درصد از مردم ایران بتوانند سوادی در حد خواندن و نوشتن داشته باشند. متأسفانه تبعیضات جغرافیایی و جنسیتی در کسب سواد بسیار مشهود بود و روستاییان و زنان سهم چندانی در سوادآموزی نداشتند.

غرور ملی، حراج!

احیای کاپیتولاسیون در سال ۱۳۴۳ یکی دیگر از خیانت‌های این رژیم به کشور بود که ضربه بزرگی به غرور ملی ایرانیان زد. کاپیتولاسیون یا حق قضاوت کنسولی نخستین بار بعد از انعقاد قرارداد ننگین تر کمناچی از سوی کشور تزاری روسیه بر ایران تحمیل شد و سپس کشورهای اسپانیا، فرانسه، آمریکا، اتریش، بلژیک، یونان، انگلیس، هلند، دانمارک، سوئد، سوئیس، آرژانتین، مکزیک، شیلی و برزیل نیز خواستار چنین حقی شدند. بعد از این زمان که در مجلس فرستاد و به عوامل خود کنسولی رالغو کرد که متأسفانه رژیم محمدرضا شاه سال ۱۳۴۳ بار دیگر آن را احیا کرد. در این زمان که رژیم شاه تحت سیطره کامل آمریکا بود، لایحه‌ای به مجلس فرستاد و به عوامل خود در مجلس دستور داد آن را فوراً به تصویب برسانند. لایحه حق قضاوت کنسولی با عنوان لایحه اجازه به مستشاران نظامی آمریکا برای استفاده از مصونیت سیاسی و اجتماعی و معافیت‌های مطرح شده در قرارداد وین، ۲۱ مهر سال ۱۳۴۳ در مجلس رژیم طاغوت به تصویب رسید.

غذای مردم، حراج!

اوضاع کشاورزی ایران با توجه به اجرای اصلاحات ارضی دیکته‌شده توسط غربی‌ها در آن سال‌ها روز به روز وخیم‌تر می‌شد. با مهاجرت روستاییان به شهرها برای کسب موقعیت شغلی جدید، تولیدات کشاورزی به شدت کاهش یافت و نسبت شاغلان بخش کشاورزی که کشاورزی به ورطه ۳۳ درصد در سال ۱۳۵۴ رسید؛ طوری که کشاورزی به دیگری ۳۳ درصد در سال ۶۵ اتفاق بدتر دیگری نابودی کشیده شد. این اتفاق ناخوشایند، اتفاق بدتر دیگری یعنی وابستگی به واردات مواد غذایی را به همراه داشت. یعنی وابستگی و وابستگی محمدرضا پهلوی به حدی بود اوج عقب‌ماندگی و توانایی تأمین مواد غذایی مردم خود را که دولت ایران فقط توانایی تأمین مواد غذایی مورد نیاز برای ۳۲ روز داشت و مجبور بود باقی مواد غذایی مورد نیاز را از خارج وارد کند. طبق آمار رسمی، واردات مواد غذایی در سال ۱۳۴۹، ۱۱۱ میلیون دلار بود که با افزایش قیمت نفت و به کارگیری سیاست درهای باز در سال ۱۳۵۶ به هزار و ۷۸۰ میلیون دلار یعنی حجم عظیمی از واردات رسید.